



قصه های خوب برای بچه های خوب

جلد ۶

نام کتاب: قصه های خوب برای بچه های خوب

نویسنده: مهدی آدریزدی

گروه سنی: ج و د

قصه های برگزیده از: شیخ عطار

توضیحات:

این کتاب جلد ششم از کتاب «قصه های خوب برای بچه های خوب» است. در این کتاب قصه های برگزیده و نوساخته از کتاب شیخ عطار را می خوانیم. به اعتراف دوست و دشمن، ادبیات پارسی از گنجینه های ادبیات جهان است. چه در نظم و چه در نثر، و از غنی ترین منابع ادبی ما همین میراث ادبی شعرای ارجمند است. عطار نیشابوری یکی از بزرگترین شعرای سرزمین ماست که هنوز کتابش تازه با طراوت است. شادروان مهدی آدریزدی از کسانی بود که می خواست این فاصله ی زبانی را میان متون کلاسیک و نسل جدید از میان بردارد و برآستی در این کار فردی موفق بود.

خلاصه ی یکی از داستان ها به نام هدیه:

روزی در صحرائی که یک چشمه کم شور داشت عربی با خانواده اش زندگی می کرد. این مرد تا به حال به شهر نرفته بود. روزی مرد می خواست به جایی برود که آب و علف خوبی داشته باشد و به چاهی رسید که تا به حال ندیده بود و فکر می کرد که این دریاچه است. کنار دریاچه نشست و کمی از آب خورد و فکر کرد که این جا بهشت است. وقتی خودش آب را خورد گفت که این آب خیلی خوب است. کمی از آن ببرم برای خلیفه، حیف است خلیفه از این آب نخورد.

کمی از آب را برای خلیفه برد از همه کس پرسید تا منزل خلیفه را پیدا کند ولی به او خبر دادند که خلیفه برای شکار به صحرائی رفته. پیش خلیفه رفت و از این آب برایش برد. خلیفه پیش خودش فکر کرد که این مرد برای نیت خیری این آب را آورده است و دستور داد که یک شتر، یک کسبه نان و خرما، یک مشک آب تازه به او بدهند. مرد اعرابی که خیلی خوشحال شده بود و ذوق کرده بود که خیلی کار خوبی کرده است. به راه افتاد. ولی خلیفه به او گفت: که به شهر نرود او رفت به صحرا. وزیران خلیفه از او پرسیدند که چرا به شهر نرود. او گفت: که اگر به شهر برود ممکن آب ها بهتری ببیند و از کاری که کرده خشمگین شود و خجالت بکشد.